

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق

۱۷ جنوری ۲۰۲۳



محمد محق

جای خالی ترانه‌های میهنی

برای فراگیر شدن آرمان‌های بزرگ و گسترش آن‌ها در میان توده‌ها، ترانه‌ها و آهنگ‌های هدف‌مندی از اثرگذارترین وسایل به شمار می‌روند، آهنگ‌هایی با پیام‌رسانی، پیام آزادی، پیام همبستگی، پیام عدالت و پیام‌های معطوف به ارزش‌های بزرگ انسانی. کشورهایی که زیر سلطه استعمار یا زیر چکمه استبداد بوده‌اند برای آزادی و رهایی نیاز به توان و حماسه مبارزاتی داشته‌اند و از جمله کسانی که آتش حماسه را شعله‌ور و فروزان نگه داشته‌اند هنرمندان، شاعران و ترانه‌سازان بوده‌اند.

در افغانستان، از آغاز جنگ‌ها به این سو، جریان هنر، به ویژه موسیقی در مسیر سرایشی قرار گرفت و کمتر آهنگ‌هایی ماندگار تولید و عرضه گردید. اگر از مواردی استثنائی مانند آهنگ استاد مددی "وطن عشق تو افتخارم" و آهنگ آقای داود سرخوش "سرزمین من" و آهنگ "دا ز موز زیبا وطن" از مرحوم اولمیر بگذریم، دیگر کمتر اثری هنری می‌بینیم که از قبول عام برخوردار شده و توانسته باشد با پیامی پرشکوه در میان توده‌ها نفوذ و اثرگذاری پیدا کند.

طالبان، القاعده و گروه‌های همفکرشان، علی‌رغم ایدئولوژی سخت‌گیرانه و سراسر تعصب شان، به اهمیت هنر آواز واقف بودند و از زمان پیدایش و حاکمیت اول شان تا بیست سال پس از آن، توانستند سرودهای حماسی خود را تولید کرده و از این راه پیام خویش را به لایه‌های مختلف جامعه افغانستان، حتی تا دورافتاده‌ترین روستاها برسانند و نوعی همبستگی عاطفی در بخش‌هایی از جامعه با خود پدید بیاورند. همین کار را فلسطینی‌ها و سایر گروه‌هایی کردند که برای هدف و آرمان خاصی می‌رزمیدند. آنان توانستند، از این راه، پیام خود را به میلیون‌ها مخاطب رسانده و قضیه میهنی خود را زنده نگه دارند. این یعنی پی بردن به اهمیت و کارکرد مؤثر هنر در راستای پی‌گیری آرمان‌ها و برانگیختن عواطف به سود آن‌ها.

در طرف مقابل، در بیست سال دورهٔ جمهوریت، علی‌رغم آزادی گسترده‌ای که برای رسانه‌ها و فعالیت‌های هنری وجود داشت، جز کارهای میان‌مایه و بی‌جان، فعالیت چشمگیری در این عرصه دیده نشد که بتواند در حرکت دادن مردم به سوی افق‌های گشودتر سهمی بگیرد. نه دولت آن زمان به این موضوع پرداخت و اثری عرضه کرد که توان مقابله و خنثی‌سازی آهنگ‌های ترانه‌های تروریستی را داشته باشد و نه نهادهای غیر دولتی چنین همتی به خرج دادند. از این جهت، تا هنوز اگر قرار باشد آهنگی در مناسبتی ملی پخش شود ناچار باید به همان تولیدات چند دهه قبل مراجعه کرد.

افغانستان اکنون در یکی از بدترین دوران‌های خود قرار گرفته است و برای رهائی از این وضعیت نیاز به خلق حماسه است. مردم نیاز دارند تا از این خمود بدر آیند، این دل‌سردی و بی‌انگیزگی باید جایش را به امید و تحرک بدهد، نسل‌های آینده نباید زبون و تسلیم‌پذیر بار آیند، و بزدلی و بی‌ارادگی نباید در روان یک ملت نهادینه شود. برای این کار نیاز به خلق حماسه است، به برانگیختن روحیه‌ها، به در هم شکستن ناامیدی‌ها و به طرح آرمان‌ها. برای چنین هدفی هیچ وسیله‌ای مؤثرتر از موسیقی نیست. اکنون وقت آن است که شاعران و ترانه‌سرایان میهن به تولید آثار نو آستین بالا بزنند و خوانندگان خوش‌آواز آن‌ها را به آهنگ‌هایی ماندگار تبدیل کنند. هنر رسالت‌مند می‌تواند ملتی در هم شکسته را از نو بر سر پای کند، و روان‌های خسته و رنجور را به شادابی و بالندگی برگرداند.

اگر بخواهیم روایتی نو در میان آوریم که بر آزادی و برابری انسانی استوار باشد، باید از هنر، از شعر و از ترانه به خوبی بهره بگیریم.

اولین آهنگ جدید میهنی را چه کسی خواهد ساخت؟